

جاده ی بسوی بن بست

«رستاخیز»



سیاست در آمریکا دوران غیر معمول و عجیبی را می گذراند. در حالی که نه بوش و نه دیک چنی معاون او در پی شرکت در انتخابات بعدی نیستند و قرار نیست که دوباره انتخاب شوند و از سوی دیگر هیچ کاندیدایی هم از جناح جمهوریخواه از اقبال پیروزی در انتخابات برخوردار نیست، کاخ سفید مستقل از تحولات روزانه سیاسی در بخش سیاست خارجی عمل می کند.

بوش ماموریت خود را حفاظت از امنیت مردم آمریکا تعریف می کند و متقاعد شده است که این ماموریت مستلزم تعهد مداوم و بی وقفه در عراق است. با این استدلال او در برابر هرگونه فشار از سوی کنگره و منتقدان دیگر همچون جورج تنت رئیس سابق سیا مقاومت می کند. تنت در کتاب جدیدش نوشته است، به طور کلی بوش کنگره را به بازی نمی گیرد و آن را بازیگر مشروعی نمی داند. دموکرات ها هم که فکر می کنند به خاطر مخالفت با جنگ از حمایت زیادی در میان مردم آمریکا برخوردار هستند نیاز و دلیلی برای سازش و کنار آمدن با کاخ سفید نمی بینند. نتیجه این شده است که به جای وحدت نظر، زمان و توان دو طرف فقط برای رویارویی در برابر هم تلف می شود. بحران عراق اکنون توجه همه مقامات درجه اول در واشنگتن را به خود جلب کرده و در این میان موضوع ایران دیگر مانند گذشته با حرارت دنبال نمی شود. مقامات آمریکایی می گویند به دستیابی به توافق با ایران بر سر برنامه هسته ای امیدوارند و حتی مقدمات تماس مستقیم کاندولیزا رایس وزیر خارجه با همتایان ایرانی اش فراهم شده است.

در رابطه با هند توافقنامه غیرنظامی هسته ای میان واشنگتن با دهلی به مشکل برخورد کرده است. هنوز امیدواری برای رسیدن به توافق در این باره وجود دارد اما کاخ سفید به کمک و همکاری کنگره نیازمند است. در محافل سیاسی هم شنیده می شود که کالین پاول وزیر خارجه سابق این روزها به عنوان مشاور امور خارجی سناتور باراک اوباما نامزد انتخاباتی دموکرات ها فعالیت می کند.

هر روز از دامنه کسانی در واشنگتن که فکر می کنند استراتژی کنونی بوش با موفقیت محسوسه همراه خواهد بود، کاسته می شود. حامیان متعهد جنگ عراق در نهادهایی مانند موسسه امریکن

اینترپرایز همچنان به کار خود ادامه می‌دهند اما دیگر استدلال‌های آنها هم تاثیر مثبتی برای پنتاگون ندارد.

رابرت گیتس وزیر دفاع و ویلیام فالون فرماندهی مرکزی آمریکا اما به اندازه جنرال دیوید پتراس فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق به اوضاع خوشبین نیستند. رابطه شخصی میان فالون و پتراس رو به و خامت است و پتراس به دلیل تمایلش به کمک به بوش در اجرای استراتژی که به گفته منتقدان به اردوی آمریکا لطمه می‌زند، در پنتاگون محبوبیت و اعتبار خود را از دست داده است.

از سوی دیگر گیتس اعتماد چندانی به رهبری سیاسی عراق به ویژه به نوری مالکی نخست وزیر، ندارد. عبارتی که بارها و بارها شنیده می‌شود این است که شرایط بدتری در راه است. بعد از تابستان و وقتی نتایج طرح افزایش نیرو به طور رسمی مورد ارزیابی قرار گیرد، تازه بحران آغاز می‌شود. با توجه به این شرایط، رهبران حزب جمهوریخواه از گیتس می‌خواهند به عنوان میانجی میان کاخ سفید و کنگره عمل کند و روند کاهش نیروهای نظامی آمریکا در عراق را به موقع و تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۸ آغاز کند. در کنار همه این بحث‌ها درباره تاکتیک‌های نظامی، کارشناسان نفتی به دولت توصیه می‌کنند که فشار خود به دولت عراق برای دسترسی به منابع نفتی را کاهش دهد.

این کارشناسان نگران هستند که طرفداری بیش از حد قانون جدید نفتی عراق از طرف‌های خارجی باعث نابود شدن و بی‌اثر شدن این قانون شود. یکی از این کارشناسان در این باره می‌گوید، به دولت هشدار می‌دهیم که ممکن است شرایط عراق مانند روسیه شود. یعنی با وجود سرمایه‌گذاری سنگین آمریکا در منابع نفتی عراق در حال حاضر، وقتی کشور از شرایط ضعف بیرون بیاید همه نیروهای خارجی از بخش نفتی بیرون رانده شوند.

در کانون طوفان



جورج تنت، رئیس پیشین سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) او اخیراً کتابی را تحت عنوان «در کانون طوفان» به رشته تحریر درآورده که سر و صدای زیادی در ایالات متحده به پا کرده است.

او در این کتاب ادعا کرده کاخ سفید، مقامات پنتاگون و در صدر همه دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده که به گروه ولکان‌ها معروف بودند از همان اولین روزهای آغاز زمامداری بوش و مدت‌ها قبل از حملات یازدهم سپتامبر عزم خود را برای حمله به عراق جزم کرده بودند و به دفعات اطلاعات

محرمانه موجود در مورد عراق را به گونه‌ای دستکاری کردند که امکان دستاویز قرار دادن آن‌ها برای جنگ علیه عراق وجود داشته باشد. تنت که تا پیش از کناره‌گیری از ریاست سیا در ژوئن سال ۲۰۰۴ میلادی یکی از نزدیکان بوش تلقی می‌شد و در همان سال به کسب مدال پاداش آزادی، که عالی‌ترین نشان غیرنظامی ایالات متحده است، نائل آمد اگرچه در این کتاب هیچ‌گاه تهدیدی که از سوی دولت صدام حسین، دیکتاتور معدوم عراق متوجه غرب بود را مورد تردید قرار نمی‌دهد اما به موارد متعددی اشاره می‌کند که چنی و دونالد رامسفلد، وزیر دفاع پیشین ایالات متحده برای توجیه جنگ علیه عراق به هر حربه‌ای متوسل شدند.

تفسیر به رأی اطلاعات، آنچنان که تنت می‌گوید یکی از دلمشغولی‌های نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده پس از روی کار آمدن دولت بوش بوده است. براساس نوشته‌های او در دولت بوش هیچ‌وقت تا قبل از آغاز عملیات علیه عراق صحبتی پیرامون اضطراری بودن تهدید عراق در بین نبود بلکه همه مباحثات بر گرفتن فرصت وارد آوردن ضربه اول از سوی صدام و پیش‌دستی بر او متمرکز شده بود.

انتشار این کتاب واکنش‌های مختلفی را در ایالات متحده برانگیخت. دان بارتلت، از مشاوران کاخ سفید هر چند میهن‌پرستی تنت را انکارناپذیر می‌داند اما نتیجه‌گیری‌های او در کتابش را مناقشه‌انگیز و قابل بحث توصیف می‌کند. بارتلت می‌گوید بوش قبل از صدور فرمان حمله به عراق همه راهکارهای موجود و تبعات تهاجم به این کشور را مورد بررسی قرار داده بود و این مواردی بود که تنت نمی‌توانسته از آنها مطلع باشد.

در حالی که مقامات ارشد سیا در گزارشی که برای ارائه به بوش در روزهای آغازین دوره اول ریاست جمهوری او در واپسین روزهای سال ۲۰۰۰ میلادی آماده شده بود به عراق به عنوان تهدیدی بالقوه اشاره نکرده بودند ولی چنی از ویلیام کوهن، وزیر دفاع دولت کلینتون درخواست کرد همه اطلاعات موجود در مورد عراق را جمع‌آوری کرده و به بوش ارائه دهد. سخنرانی چنی در اوت سال ۲۰۰۲ پیرامون عراق متضمن مواردی بود که تحلیلگران سیا نمی‌توانستند صحت‌شان را تأیید کنند.

چنی در آن اظهارات ادعا کرد صدام برنامه هسته‌ای خود را از سر گرفته و به زودی به سلاح هسته‌ای دست پیدا می‌کند. او در بین اتهاماتی که به صدام وارد آورد از احتمال دستیابی عراق به سلاح هسته‌ای در کمتر از یک سال خبر داد. تنت در کتاب خود نوشته اگرچه ادعاهای چنی موجبات نارضایتی سیا را فراهم آورده بود اما او تصمیم گرفت از رویارویی با چنی در این رابطه اجتناب کند.

در کتاب - در کانون طوفان، تنت می‌نویسد مقابله با تلاش‌های چنی و سایر نزدیکان بوش برای برافروختن آتش جنگ با عراق تصمیمات آتی آنها را تغییر نمی‌داد اما در عین حال می‌گوید با سکوت‌اش موجب شده بود اردوگاه بازها در کاخ سفید این سکوت را نوعی توافق تلقی کند. تا آنجا که به آینده مربوط می‌شود رئیس سابق سیا بزرگترین دغدغه خود را خلع سلاح هسته‌ای عنوان می‌کند. معتقد است دستیابی به توان هسته‌ای بزرگترین هدفی است که اسامه بن‌لادن، رهبر

القاعده و سایر تروریست‌ها به دنبالش هستند چرا که آن‌ها می‌دانند اگرچه با انفجار خودروها، کامیون‌ها، قطارها و هواپیماهای بمب‌گذاری شده به تیتراک رسانه‌ها تبدیل می‌شوند اما اگر بتوانند انفجاری هسته‌ای را ترتیب دهند قادر خواهند بود مسیر تاریخ را عوض کنند.

در حالی که تنت پس از استعفا از ریاست سیا در سال ۲۰۰۴ سکوت پیشه ساخت اما در کتاب‌اش به صراحت می‌گوید دولت بوش او را قربانی کرد تا انتقاداتی که در مورد نادرست بودن اطلاعات مورد استناد برای آغاز جنگ عراق به کاخ سفید وارد می‌آمد را خنثی کرده باشد.

براساس این کتاب اگرچه بوش در سال ۲۰۰۲ تنت را از کناره‌گیری از ریاست سیا منصرف کرد اما نه ماه بعد با انتشار کتابی از سوی باب وودوارد، خبرنگار واشنگتن‌پست که در آن به نقل از تنت آمده بود غیرواقعی بودن ادله مورد استناد برای آغاز جنگ علیه عراق پیش از صدور فرمان جنگ به بوش یادآوری شده بود رئیس‌جمهور دیگر با استعفای مجدد او مخالفت نکرد.

تنت یکی از فصل‌های کتاب ۵۴۹ صفحه‌ای خود را «فرصت‌های از دست رفته» نامگذاری کرده اما او در ضمن کتاب خود هیچ فرصتی را برای ذکر اشتباهات چینی، رامسفلد و کاندولیزا رایس، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا و وزیر امور خارجه کنونی از دست نداده است.

او هر چند از این افراد به عنوان کسانی که هر آنچه در توان داشتند برای دامن زدن به احتمال جنگ با عراق به کار بردند، یاد می‌کند اما هر جا صحبت از بوش به میان می‌آید با نرمی و ملاحظه بیشتری نوشته است. اعتقاد دارد بوش از اطلاعات ضروری که می‌توانسته به تصمیم‌گیری بهتر کمک کند محروم بوده است.

براساس کتاب تنت ایده اصلی برنامه مناقشه‌انگیز شنود مکالمات تلفونی مظنونان تروریستی در داخل قلمرو ایالات متحده از چینی بوده است و اینکه چینی قبل از افشای این مسأله در اواخر سال ۲۰۰۵ میلادی دوازده بار به کنگره رفته بود تا در نشست‌هایی با نمایندگان ارشد دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان آنان را مجاب کند برای تأمین امنیت ایالات متحده چاره‌ای جز اجرای این برنامه وجود ندارد.

یکی از جالب‌ترین نکات مطرح شده در این کتاب این است که تنت بر ادعاهای سال گذشته دولت بوش در مورد ضرورت انجام بازجویی‌های خشونت‌آمیز از برخی متهمان تروریستی و این که حداقل دستاورد این بازجویی‌ها پیشگیری از وقوع حملاتی تروریستی در ایالات متحده، انگلیس، خاورمیانه، جنوب آسیا و آسیای میانه بوده، صحنه گذاشته است. او به صراحت اعلام کرده از خشونت‌آمیزترین روش‌های شناخته شده، برای بازجویی از خطرناک‌ترین تروریست‌های روی کره زمین استفاده شده اما در عین حال تأکید دارد این بازجویی به دقت تحت کنترل بود تا از سلامت و امنیت این متهمان اطمینان حاصل شود.

جنگ طلبی و خشونت خواهی



مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه پیشین امریکا و جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق ایالات متحده از سیاست‌های جنگ‌طلبانه بوش انتقاد کردند. مادلین آلبرایت گفت: این کشور به علت تهاجم نظامی به عراق، اقتدار معنوی خود را در جهان از دست داده‌است و رئیس‌جمهور بعدی آمریکا باید اقتدار این کشور را بازگرداند. آلبرایت که در میزگردی با شرکت جیمی کارتر رئیس‌جمهور پیشین امریکا در مرکز کارتر سخنرانی می‌کرد، گفت: به عقیده وی حمله آمریکا به عراق به عنوان بزرگترین فاجعه در تاریخ سیاست خارجه آمریکا ثبت خواهد شد. وی در همین حال تأکید کرد، آمریکا به علت تهاجم نظامی به عراق، قدرت معنوی خود را در جهان از دست داده و بر عهده رئیس‌جمهور بعدی آمریکاست که اقتدار معنوی را به این کشور بازگرداند.

وی خاطر نشان کرد: آمریکا به علت سیاست‌های جنگ‌طلبانه جرج بوش رئیس‌جمهور این کشور، احترام خود را در میان کشورهای جهان از دست داده و مردم جهان به علت سیاست‌های خصمانه امریکا از این کشور هراس دارند. جیمی کارتر رئیس‌جمهور پیشین آمریکا نیز که از منتقدان سیاست‌های جنگ‌طلبانه بوش است، گفت: پس از روی کار آمدن جرج بوش، اعتماد و احترام به مردم این کشور در سراسر جهان کاهش یافته‌است.

وی علت بی‌اعتمادی مردم جهان را به آمریکایی‌ها سیاست استفاده از قدرت نظامی در دولت بوش دانست که در تاریخ این کشور کم‌سابقه است. کارتر در همین حال خاطر نشان کرد، سیاست همه رؤسای‌جمهور پیشین آمریکا استفاده از گزینه نظامی فقط در صورت به مخاطره افتادن امنیت این کشور بود ولی بوش سیاست جدید موسوم به جنگ پیشگیرانه را در دستور کار خود قرار داد.

وی همچنین اعلام کرد، تهاجم غیرقابل توجیه آمریکا به عراق در ماه مارچ سال ۲۰۰۳ میلادی به کشته شدن ده‌ها هزار غیر نظامی عراقی منجر شده‌است. مادلین البرایت در دهه ۷۰ میلادی در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر، از اعضای تیم امنیت داخلی کارتر بود.

همچنان فرانسویس فوکویاما از نظریه‌پردازان اولیه نومحافظه‌کاران آمریکایی است که پس از حمله آمریکا به عراق و بروز اولین نشانه‌های ناکامی آمریکا در رسیدن به اهدافش در عراق، از حلقه نومحافظه‌کاران کنار کشید و در بزنگاه‌های خاصی نیز از نقد سیاست نومحافظه‌کاران ابایی ندارد.

فوکویاما در مقاله‌ای که در روزنامه گاردین انگلیس با اشاره به هزینه ۵۰۰ میلیارد دلاری آمریکا در عراق و تلفات سنگین ارتش آمریکا نوشته است، آمریکا هنوز قادر نیست کشوری فقط با ۲۴ میلیون نفر جمعیت را آرام کند و هیچ چشم‌انداز روشنی برای برقراری دموکراسی [ادعایی] در عراق وجود ندارد.

وفوکویاما در تشریح شرایط جدید جهانی می‌نویسد: دهه اول قرن بیست و یک حاکی از آن است که شرایط جهانی تغییر یافته است و نوار بی‌ثباتی از شمال آفریقا و خاورمیانه و صحرای آفریقا تا آسیای مرکزی کشیده شده است و این مناطق توسط «دولت‌های ضعیف» و «یا» دولت‌هایی با مشکل مشروعیت **Failed State** اداره می‌شوند. این دولت‌ها قادر به کنترل قلمرو حاکمیت خود نیستند و توانایی سیاسی و مشروعیت لازم را برای مقابله با گروه‌هایی مثل القاعده ندارند. از نظر فوکویاما حمله به عراق سه درس مهم داشته است.

دکترین نظامی آمریکا دائر بر توسل به قدرت کامل نظامی و حمله ناگهانی و کمرشکن به دشمن تاکنون موثر نبوده است. [منظور از حمله کمرشکن، حمله‌ای است که «اراده» و «قدرت تلافی» طرف مقابل را نابود می‌کند] چراکه آمریکا با دشمنانی طرف است که اساساً نامرئی هستند و در میان مردم زندگی می‌کنند. مشکل آمریکا با «شوک و بهت» [نام عملیات حمله به عراق] حل نمی‌شود، باید اهداف سیاسی با تاکید بر پیروزی بر غلبه بر اذهان و قلب‌ها دنبال شود.

جنگ پیش‌دستانه نمی‌تواند استراتژی درازمدت آمریکا در مقابله با گسترش سلاح‌های انهدام جمعی باشد. تجربه عراق ثابت می‌کند که تاثیر بازدارندگی قدرت متعارف آمریکا ناچیز است و احتمال به‌کارگیری جنگ پیش‌دستانه در برابر کشوری که قصد گذر از «نقطه عطف» را دارد در عمل کاهش می‌یابد.

بالاخره اینکه دولت فعلی آمریکا بی‌کفایتی عظیمی را در اداره یومیه امور از خود به نمایش گذاشته است. واشنگتن در عراق انتخابات برگزار کرد اما در تربیت نیروهای عراقی برای امور امنیتی و نظامی، در جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی و سیاسی نیروهای آمریکایی شکست خورده است. اوضاع چنان است که حتی اگر دوستان و متحدان آمریکا صداقت واشنگتن را در مبارزه با تروریسم، منع سلاح‌های کشتار جمعی و... را هم باور کنند، هرگز توان اجرایی و کفایت سیاسی اداره امور از سوی آمریکا را باور ندارند.

از نظر فوکویاما نگاهی به سیاست آمریکا در قبال ایران حاکی از آن است که دولت آمریکا درس‌های عراق را درک نکرده است. ایران شباهتی به عراق و القاعده ندارد. ایران برخلاف عراق ریشه در تاریخ دارد و برخلاف القاعده یک دولت است که سرزمینی به وسعت سه برابر عراق را اداره می‌کند. شاید بتوان به راحتی موانع مذاکره با ایران را برشمرد، اما بی‌شک پیدا کردن یک طرح جایگزین بسیار دشوارتر است. حمله به ایران نیز نمی‌تواند به تغییر رژیم و تقویت رژیم منع گسترش منجر شود. حمله به ایران، آمریکا را منزوی‌تر می‌کند و غرب را «با خطر تمدنی (Civilisational Danger) مواجه می‌سازد.

ایران در هر حال یک دولت و یک قدرت منطقه‌ای است. ایران قدرت جهانی نیست و می‌توان جنبه‌های بازدارندگی را در مقابل آن به کار گرفت. در ایران تصمیم‌سازی در عرصه‌ای متنوع و باز، صورت می‌گیرد.

همچنان در آمریکا کنفرانسی برگزار شد که در آن افسران اردو با تعجب به گزارشی گوش دادند که ارزیابی شرایط عراق بود. نکته حیرت‌آور این گزارش برای حاضران در جلسه این بخش از گزارش بود: اردوی آمریکا با همه توان خود در برابر شورشی‌های سازمان نیافته عراقی از نظر تاکتیکی کم آورده است و جنگ عراق بزرگترین چالش پیش روی آمریکا در نیم قرن گذشته است.

بعد از خواندن این گزارش مقامات ارشد آمریکا و عراق در کنار مقامات ایران، سوریه، اردن و عربستان در بغداد پشت یک میز نشستند تا همسایگان را راضی کنند مرزهایشان را به روی جنگجویان عراقی و محموله‌های مهمات آنها و حساب‌های پولی‌شان مسدود کنند.

در گزارش ارزیابی شرایط عراق که در کنفرانس واشنگتن برای افسران ارشد اردو آمریکا قرائت می‌شد، شورشی‌های عراقی بسیار باهوش، زیرک و حيله‌گر توصیف شدند که بزرگترین ارتش تنها ابرقدرت جهان را در کشور کوچک عراق زمین‌گیر کرده‌اند. در ویتنام آمریکا در برابر جامعه‌ای به شدت مسلح، سازمان‌یافته و با حمایت دولتی شکست خورد که تانک، وسیله نقلیه سنگین و منابع و تولیدات نظامی داشت.

اما اکنون بزرگترین ارتش جهان با خطر شکست از سوی چند ده هزار شورشی غیرمنظم روبه‌روست که سلاح‌چندانی ندارند و از تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند که به نابودی وسائل و تجهیزات چند میلیون دالری و هواپیماهای نادر جنگی آمریکا منجر می‌شود. در واشنگتن اردو به کم‌کاری در واکنش نسبت به این چالش متهم می‌شود. در گزارش جدید ارزیابی اوضاع عراق آمده است، شورشی‌ها بسیار سریع خود را با شرایط وفق می‌دهند و از سیاست‌های جدید آمریکا برای تعامل با مردم محلی سوءاستفاده می‌کنند و از این سیاست‌ها علیه نیروهای آمریکایی استفاده می‌کنند. این نیروها در مدت کوتاهی شیوه تخریب و از کار انداختن هر تجهیزات جدیدی که آمریکا وارد عراق می‌کند را می‌یابند و به کار می‌بندند.

ساختار فرماندهی نامشخص و پیچیده این نیروهای شورشی مانع از آن می‌شود که ارتش آمریکا این هسته‌ها را منحل کند. این هسته‌ها در تعداد بسیار زیاد و کوچک هستند و فروپاشی آنها تقریباً برای ارتش غیر ممکن است. در این گزارش گفته شده، این جنگ بزرگترین آزمون اردوی آمریکا در پنجاه سال اخیر است. اردو در این جنگ به تکنولوژی‌های پیشرفته‌تری نیاز دارد چرا که با مهارت پیش‌بینی نشده‌ای روبه‌روست.

شورشی‌های عراقی از صحنه‌های حمله به نیروهای آمریکایی فیلمبرداری می‌کنند و آن را برای آموزش نیروهایشان برای آنها به نمایش می‌گذارند تا نقاط ضعف و قوت نظامیان آمریکایی کاملاً مشخص شود.

دقایقی بعد از پایان سخنرانی نوری مالکی که در آن نسبت به گسترش درگیری‌های عراق به کل خاورمیانه هشدار داد، گلوله‌هایی در نزدیکی محل کنفرانس به زمین نشست و یک موتر حامل بمب هم در منطقه شیعه‌نشین بغداد منفجر شد تا هشدارهای مالکی به حاضران در کنفرانس امنیتی بغداد با جدیت بیشتری برداشت شود.

مالکی در این کنفرانس گفت که تروریسم بلای جهانی است که بهای آن را فعلا مردم عراق می‌پردازند. جورج بوش اکنون در خواست اعزام فوری بیش از هشت هزار نظامی دیگر به عراق و افغانستان را مطرح کرده است. این درحالیست که ۲۱ هزار و ۵۰۰ نفر نیروی اضافی که به تازگی دستور اعزام آنها به عراق صادر شده هنوز به طور کامل در مناطق مورد نظر مستقر نشده‌اند.

سناتور هیلاری کلینتون یکی از کاندیداهای دموکرات‌ها برای شرکت در انتخابات سال ۲۰۰۸ در سخنانی در جمع اعضای کمیته ملی حزب دموکرات آمریکا ضمن بیان مطلب فوق افزود: اگر در سال ۲۰۰۲ رییس جمهوری آمریکا بودم فرمان جنگ علیه عراق را صادر نمی‌کردم. هیلاری کلینتون اما در ادامه گفت:

بعید به نظر می‌رسد طرح قطع منابع مالی مورد نیاز دولت برای اعزام نیروهای بیشتر آمریکایی به عراق در کنگره به تصویب برسد. این طرح توسط افرادی نظیر سناتور ادواردز که به شدت با ادامه جنگ در عراق مخالفند، ارائه شده بود.

هیلاری کلینتون ضمن بیان سخنان فوق که به نظر می‌رسد برای خنثی کردن اقدامات رقابتی دموکرات‌ها ایراد شدند، افزود: "باور کنید که از ناامیدی و خشم شما آگاهی دارم، اما بدانید برای جلوگیری از اعزام نیروهای بیشتر به عراق و ممانعت از تصویب منابع مالی مورد نیاز به این کار شما نیاز به ۶۰ رای مخالف دارید، در هر صورت اگر ما در کنگره نتوانیم پیش از ژانویه ۲۰۰۹ به این جنگ خاتمه دهیم، من در مقام رییس جمهوری این مهم را به انجام خواهم رساند.

باراک اوباما دیگر کاندیدای دموکرات‌ها برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ نیز ضمن مخالفت با ادامه جنگ علیه عراق گفت: ممکن است زمانی افرادی با جنگ عراق مخالفت و یا موافقت کرده باشند، اما اکنون باید برای تصویب طرحی تلاش کنیم که به موجب آن به کشتار و خونریزی در عراق پایان داده شده و شرایط برای بازگرداندن نیروها به آمریکا فراهم شود.

سناتور ادواردز نیز که پیشتر در سال ۲۰۰۲ با در کنار هیلاری کلینتون به جنگ علیه عراق رای موافق داد، اکنون کاملا تغییر عقیده داده و به مخالفان پر و پاقرص جنگ تبدیل شده است.

او در کمیته ملی دموکرات‌ها طی سخنانی گفت: سکوت خیانت است، جلوگیری نکردن از طرح ریاست جمهوری که بر مبنای افزایش خشونت‌ها در عراق تدوین شده است، در زمانی که ما دارای مسوولیت هستیم و از قدرت و استعداد کافی برای جلوگیری از چنین امری برخورداریم، خیانت است.

جنگ آمریکا در عراق طولانی تر از جنگ جهانی دوم شد؛ جنگی که بوش پدر در آن به عنوان سرباز خدمت کرده بود. آمریکا سه سال و هشت ماه است که در عراق درگیر شده است که این میزان بیشتر از مدت زمانی است که آمریکا در جنگ جهانی دوم درگیر بوده است.

تنها جنگ ویتنام (هشت سال و پنج ماه)، جنگ های انقلاب آمریکا (شش سال و ۹ ماه) و جنگ داخلی (چهار سال) بیشتر از جنگ عراق آمریکا را درگیر خود کرده بودند.

جنگ آمریکا در عراق نودهم ماه مارچ ۲۰۰۳ با بمباران بغداد توسط هواپیماهای آمریکایی شروع شد. بوش طی نشست اپک به ویتنام سفر کرده بود در پاسخ به این سوال که آیا جنگ ویتنام در

سیاست های آمریکا در عراق تأثیری داشته است یا نه؟ گفت: ما موفق خواهیم شد مگر این که شکست بخوریم . تا به حال بیش از 3300 سرباز آمریکایی در عراق کشته شده اند.

اشتباهات بزرگ



جان مک کین سناتور جمهوری خواه و کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اعتراف کرد که دولت آمریکا در جنگ عراق اشتباهات بسیار بزرگی مرتکب شده است. سناتور مک کین در مصاحبه با شبکه سی ان ان تأکید کرد که آمریکا در طول جنگ عراق مرتکب اشتباهات بسیار بزرگی شده و این جنگ با مدیریت اشتباه اداره شده است. سناتور مک کین در ادامه به اظهارات رئیس گروه اکثریت در سناي آمریکا اشاره کرد که گفته بود آمریکا در جنگ عراق شکست خورده است. اگر آمریکا شکست خورد باید ببینیم چه کسی در این جنگ پیروز شد، آیا القاعده پیروز شد یا شبه نظامیان سنی یا شبه نظامیان شیعه باید مشخص کرد در این جنگ چه کسی برنده شده است. مجری سی ان ان در ادامه به اظهارات فرمانده ارشد نظامیان آمریکا در عراق اشاره کرد که پیروزی نظامی در عراق غیرممکن است به همین علت بسیاری بر حل بحران عراق از طریق سیاسی تأکید می کنند و نظر سناتور مک کین را در این باره پرسید.

سناتور مک کین در پاسخ گفت: برای اجرای راهکار سیاسی در عراق باید ابتدا امنیت وجود داشته باشد و برای ایجاد امنیت به راهکار نظامی نیاز دارید. وی کوزوو و بوسنی را نمونه هایی از موفقیت این راهکار ذکر کرد. سناتور مک کین از برنامه ریزان جنگ عراق انتقاد کرد و گفت ما در طول چهار سال گذشته استراتژی غلطی را در عراق اجرا کرده ایم . وی در عین حال با هر نوع طرحی برای خروج از عراق مخالفت کرد و گفت ما باید استراتژی جدیدی در عراق اتخاذ کنیم.

مسئولین بررسی سرمایه گذاریهای آمریکا در عراق در گزارشی ۲۱۰ صفحه ای که در واشنگتن در اختیار محافل خبری قرار گرفت یادآور شده است که سرمایه گذاری ۴۰۰ میلیاردی آمریکا از زمان لشکرکشی عراق تاکنون نه فقط بازده پیش بینی شده را نداشته بلکه کمترین بهبود را برای مردم عادی عراق نیز در پی نداشته است. در این گزارش آمده است که رشوت خواری و دزدی در عراق هر روز ابعاد بیشتری می یابد و حدود پنج میلیارد به همین طریق از سرمایه گذاریهای خارجی در عراق حیف و میل شده است.

بیشترین سرمایه های هدر رفته مربوط در بخش صادرات نفت و امنیت داخلی است.

این گزارش می‌افزاید که آمریکا با وجود خرج‌های میلیاردی در عراق هنوز نتوانسته است حداقلی از امنیت را برای مردم عراق به ارمغان بیاورد و هر روز بر تعداد کشته‌شدگان و قربانیان حمله‌های انتحاری افزوده می‌شود. در آخرین مورد از این ناآرامی‌ها باردیگر انفجاری انتحاری جان‌تعدادی را در بغداد گرفت.

ارتش آمریکا در عراق در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که در ماه اپریل ۱۰۳ سرباز آمریکایی در عراق کشته شده‌اند که این بالاترین رقم کشته‌شدگان آمریکایی در سال جاری میلادی است. در ماه دسامبر سال میلادی گذشته ارتش آمریکا در یک ماه ۱۱۳ کشته داد و مقام‌های نظامی آمریکا در آن هنگام اعلام کرده بودند که با طرح امنیتی تازه‌ای که برای بغداد تدارک دیده‌اند از حملات انتحاری کاسته خواهد شد.

به گزارش منابع خبری این پیشبینی آمریکایی‌ها تاکنون به حقیقت نپیوسته و همین موضوع در کنار گزارش اخیر گروه بازرسی بار دیگر دولت بوش را به چالش کشانده است.

در همین گیرودار اکثریت دموکرات مجلس نمایندگان و سنای ایالات متحده در حال بررسی گام بعدی خود پس از وتوی غیرقابل اجتناب پیشنهاد آن‌ها برای اختصاص بودجه متمم جنگ عراق منوط به تدوین جدول زمان‌بندی خروج نیروهای آمریکایی از این کشور مشتمل بر اختصاص بودجه به صورت مرحله‌ای به‌گونه‌ای هستند که کنگره را ملزم به بررسی مجدد این طرح در تابستان سال جاری میلادی می‌کند.

یکی دیگر از گزینه‌های مورد نظر دموکرات‌ها اختصاص بودجه مورد نیاز پنتاگون برای جنگ مشروط به تعهد دولت عراق به عمل به پاره‌ای وعده‌های سیاسی یا موافقت دموکرات‌ها با خواسته‌های کنونی بوش و به انتظار نشستن برای لایحه بودجه سال ۲۰۰۸ است. این گزینه‌ها مقارن با حرکت بوش و کنگره به سوی رویارویی تمام‌عیار بر سر سیاست کاخ سفید در قبال عراق در دست بررسی است. کمیته‌های پشتیبانی سنا و مجلس نمایندگان با یکدیگر دیدار کردند تا در صورت موافقت اعضای هر دو کمیته طرح نهایی برای ارائه به رئیس‌جمهور تا پایان هفته جاری تدوین شود.

دپوید پترائوس، فرمانده ارشد ارتش آمریکا در عراق در نشست‌هایی که پشت درهای بسته برگزار شد در برابر اعضای این دو کمیته حاضر شد تا قبل از رأی‌گیری نهایی آنان توضیحاتی را ارائه دهد.

گمان می‌رود در این طرح با وجود اختصاص بودجه متمم مورد نیاز برای جنگ عراق درخواست خروج نیروهای نظامی آمریکا از این کشور تا ۳۱ مارچ سال ۲۰۰۸ میلادی تکرار شود. بوش اعلام کرده این طرح را وتو خواهد کرد و جمهوریخواهان گفته‌اند از این تصمیم رئیس‌جمهور حمایت می‌کنند. در این صورت دموکرات‌ها قادر به دستیابی به اکثریت ۷۰ درصدی برای بی‌اثر کردن وتوی رئیس‌جمهور نخواهند بود.

لیندسی گراهام، سناتور جمهوریخواه ایالت کارولینای جنوبی با انتقاد از تلاش دموکرات‌ها برای تعیین جدول زمانی خروج نیروهای آمریکایی از عراق گفت: تعیین جدول زمانی برای پایان جنگ قبل از دستیابی به پیروزی ضربه‌ای سخت به نیروهای میانه‌رو در سراسر خاورمیانه خواهد بود.

رهبران دموکرات‌ها در کنگره در این بین متمایل به گفت‌وگو پیرامون گام‌های بعدی‌شان برای مقابله با مقاومت بوش در برابر خواسته‌هایشان نیستند و در مقابل روی توانمندی خود برای تصویب طرحی که سیاست‌های بوش در عراق را به چالش می‌کشد، تکیه می‌کنند. جان مورتا، از اعضای دموکرات مجلس نمایندگان که ریاست هیأتی را به‌عهده دارد که بر نحوه هزینه شدن بودجه نظامی نظارت دارد، می‌گوید خواستار تصویب طرحی است که بودجه متمم جنگ عراق را برای یک‌دوره دو تا سه‌ماهه تعیین کند تا پس از پایان دوره اجرای این طرح، دموکرات‌ها برای تصویب طرح جدیدی وارد عمل شوند که خواستار پایان جنگ شود.

بوش خواستار اختصاص ۹۰ میلیارد دلار بودجه اضافی تا ماه سپتامبر برای تأمین هزینه‌های دو جنگ عراق و افغانستان شده است. طرح مورتا این فرصت را برای دموکرات‌ها فراهم می‌آورد که برای کسب حمایت از طرح خود در بین آن دسته از جمهوریخواهان مخالف جنگ که حاضر به موضع‌گیری علیه رئیس‌جمهوری از حزب خود نیستند زمان کافی داشته باشند. این تاکتیک همچنین احتمال حمایت اعضای مستقل‌تر حزب جمهوریخواه از این طرح را که از ریشه مخالف اختصاص بودجه جدید به جنگ عراق هستند را افزایش می‌دهد. ترس از متهم شدن به تضعیف نظامیان آمریکایی بزرگترین دغدغه دموکرات‌ها در کنگره و علت اصلی رویکرد احتیاط‌آمیز آنان در قبال لایحه بودجه متمم درخواستی کاخ سفید است.

شاید به همین دلیل است که برخی از دموکرات‌های کنگره چون کارل لوین، رئیس کمیته نیروهای مسلح سنا معتقد است طرح دموکرات‌ها باید قبل از وتو مورد بازبینی قرار گیرد و تخصیص بودجه متمم برای جنگ عراق به‌جای مشروط شدن به تدوین جدول زمانی خروج از عراق به اجرای اصلاحات سیاسی در این کشور منوط شود. دموکرات‌ها قصد دارند علیرغم اعلام وتو از سوی کاخ سفید با پیشنهاد یک قانون الزام‌آور برای خروج نظامی آمریکا از عراق تا اگست ۲۰۰۸ به فشار علیه بوش بیفزایند.

این طرح که در واشنگتن ارایه شد، رییس‌جمهور آمریکا را موظف می‌کند از تعداد نیروهای آمریکایی در عراق به صورتی قابل راستی‌آزمایی و مرحله‌ای بکاهد. دان بارتلت، مشاور بوش اعلام کرد، دولت آمریکا این طرح را به صورت صریح رد کرده و در آخرین مرحله آن را وتو خواهد کرد. در همین حال، هیلاری کلینتون، نامزد رقابت‌های ریاست‌جمهوری آمریکا نیز از شیوه رفتار با سربازان آمریکایی مجروح شده در عراق انتقاد کرده است. در این قانون خواسته شده است، چنانچه اوضاع به صورت چشمگیر بهبود نیابد، خروج نیروها باید سال جاری میلادی انجام شود. در نهایت خروج نیروها در صورت بهبود اوضاع باید از اول مارس سال آینده میلادی آغاز شده و ظرف ۱۸۰ روز خاتمه یابد.

نانسی پلوسی رییس مجلس گفت، با این طرح دولت عراق باید گام‌هایی را در راستای دموکراتیزه شدن برداشته و تأمین امنیت داخلی را عهده دار شود. نیروهایی که از عراق خارج می‌شوند باید نیروهای آمریکایی در افغانستان را تقویت کنند. بوش تاکنون قاطعانه تعیین جدول زمانی را برای

پایان عملیات نظامی آمریکا در عراق رد کرده است . هنوز مشخص نیست که آیا طرح ارایه شده از جانب سران دموکرات شانس را خواهد داشت یا نه. مقاومت شدید کاخ سفید و حزب جمهوری خواه بوش، برخی از نمایندگان دموکرات را نسبت به موفقیت این طرح بدبین کرده است.

جیمز وب، سناتور دمکرات ایالت ویرجینیا طرحی را تقدیم کنگره ایالات متحده کرد که محدود کردن اختیارات جورج بوش، رئیس جمهور در زمینه صدور فرامین جنگی جدید را دنبال می کند. به گزارش روزنامه واشنگتن پست، وب علت تدوین این طرح الزام آور را خودداری کاخ سفید از تأیید این نکته که بوش در ماه های باقیمانده از دوره ریاست جمهوری خود هر تصمیم جنگی جدیدی را با کنگره هماهنگ می کند، عنوان کرده است . او تصریح کرد مترصد الزام دولت بوش به جلب نظر کنگره قبل از رویارویی احتمالی با ایران است .

وب در پاسخ به سئوالات خبرنگاران پیرامون این طرح گفت: مسأله کاملاً مشهود است که ایران، عراق نیست. وی افزود: رئیس جمهور حق آغاز عملیات نظامی یکجانبه علیه ایران را ندارد.

در این طرح منع اختصاص بودجه برای هرگونه عملیات نظامی علیه ایران بدون کسب مجوز کنگره پیش بینی شده است البته در متن طرح ارائه شده استثناهایی چون آغاز حمله از سوی ایران، مواردی که واحدهای ارتش ایالات متحده در تعقیب عناصر متخاصم چاره ای جز ورود به خاک ایران نداشته باشند یا وقتی انجام عملیات اطلاعاتی ضروری جز با ورود به قلمرو ایران ممکن نباشد پیش بینی شده است.

آنچنان که وب گفته با ملزم شدن کاخ سفید به کسب مجوز کنگره قبل از صدور فرامین جنگی جدید قانونگذاران آمریکایی سعی می کنند مانع از درگرفتن منازعه جدیدی در غیاب ادله قابل قبول شوند . او می گوید توانسته هری رید، رهبر اکثریت دمکرات سنا را متقاعد به حمایت از این طرح کند و تأکید دارد سعی خواهد شد این لایحه پس از تصویب به اصلاحیه قانون بودجه سال ۲۰۰۷ که بوش در آن خواستار اختصاص وجوه جدیدی به ارتش آمریکا برای ادامه جنگ در عراق و افغانستان شده است، منضم شود. وب اصرار دارد ارائه این طرح را نباید با مسأله حزبی خلط کرد و هدف از پیشنهاد آن را تأمین منافع ملی آمریکا توصیف کرده است.

جان وارنر، سناتور جمهوریخواه ایالات ویرجینیا اولین عضو اقلیت سنا بود که روز گذشته به این طرح واکنش نشان داد . او در اظهاراتش ضمن ابراز نگرانی از محتوای این طرح، آن را ناقض اختیاراتی دانست که کنگره پیش از این به بوش اعطا کرده و رئیس جمهور در چارچوب آن محق است در مواردی که خطری متوجه امنیت ملی آمریکا باشد بدون مجوز کنگره فرامین جنگی صادر کند .

طرح وب ادامه تلاش های اخیر دمکرات ها برای حصول اطمینان از عدم صدور فرمان نظامی عجولانه دیگری از سوی کاخ سفید تحت سیطره جمهوریخواهان است . مجلس نمایندگان کنگره ایالات متحده حدود دو هفته قبل قطعنامه ای را به تصویب رساند که براساس آن از عملکرد دولت بوش در عراق و به ویژه طرح جدید کاخ سفید که در چارچوب آن حدود ۳۰ هزار نیروی تازه نفس به این کشور اعزام می شوند، انتقاد شده بود.

این قطعنامه برای دولت بوش الزام‌آور نبود اما از آنجا که تصویب آن در سنا می‌توانست رسوایی سیاسی غیرقابل جبرانی برای دولت بوش باشد اقلیت جمهوریخواه سنا مانع از تصویب آن شد. همزمان با این قطعنامه جناح‌هایی در داخل کنگره از تلاش برای لغو اختیارات جنگی ویژه بوش خبر دادند که در سال ۲۰۰۲ میلادی برای صیانت از ایالات متحده از سوی کنگره به وی اعطا شد. این تلاش هم با حمایت جمهوریخواهان از بوش مسکوت ماند اما وقتی بوش لایحه متمم بودجه سال ۲۰۰۷ میلادی را که در آن حدود یکصد میلیارد دلار بودجه اضافی برای پنتاگون درخواست شده بود را تقدیم کنگره کرد دمکرات‌ها درصدد اعمال فشار به کاخ سفید با جلوگیری از اختصاص همه این بودجه شدند.

دربخش‌های این مقاله از سرویس‌های خبری استفاده گردیده است.

www.esalat.org